

نگاهی به کتاب مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم

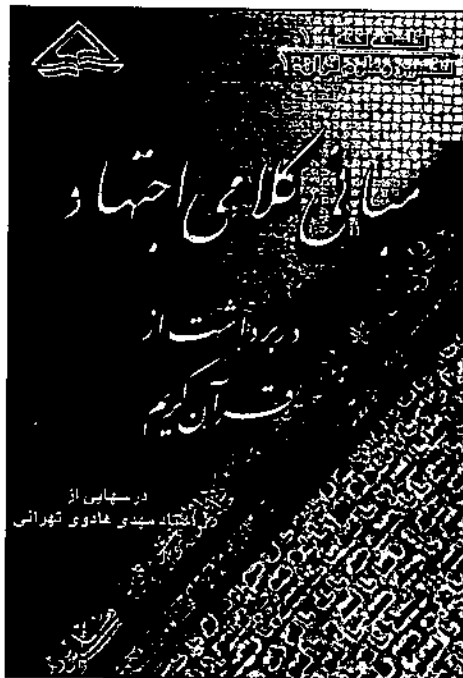
● رضا غلامی

عامل در راستای پاسخگویی به حوائج نو و بی‌نهایت مسلمانان در شئون مختلف زندگی اجتماعی یا به عبارتی دیگر در راستای اثبات عینی اصل خاتمیت و جاودانگی شرع مقدس اسلامی مورد توجه فقها و دانشمندان نواندیش قرار گیرد.

دین اسلام دارای یکدسته اصول ثابت و لایتنظیم است که محدود به زمان و عصر خاصی نمی‌گردد اما یکدسته فروع نیز در دین وجود دارد که متناسب با مقتضیات و حوائج متنوع مسلمانان در هر عصر در قالب حکم شرعی وضع می‌گردد. آن اصول و مبانی ثابت و لایتنظیم در شمار اصول موضوعه قرار گرفته و فروع نیز براساس آن تفریح می‌گردد که راجع به آن اصول سخن خواهیم گفت. بدیهی است، احکام شرعی که جزو فروع است در یک عملیات استنباط که اجتهاد نام گرفته است متناسب با مقتضیات هر عصر یا حوائج جدید مسلمانان تغییر می‌یابد. در یک عملیات استنباط حکم شرعی، مجتهد از چهار منبع مهم بهره‌گیری می‌نماید که عبارت است از:

۱- قرآن ۲- سنت ۳- اجماع ۴- عقل

برای بهره‌گیری از این منابع و فهم هر یک لازم است دانشهای متعارفی کسب گردد. برای مثال برای مراجعه و فهم قرآن و سنت لازم است مجتهد ضمن ورود کافی به ادبیات عربی و احاطه مطلوب به سیر تاریخی محاورات عرفی، تفسیر قرآن و معانی آیات و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را بداند؛ حدیث معتبر را از حدیث غیرمعتبر تشخیص دهد (علم رجال) به علاوه روی قواعد عقلایی صحیح، تعارضها را در احادیث تا حدی که ممکن است حل کند؛ موارد اجماعی



- مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم
- مهدی هادوی تهرانی
- مؤسسه فرهنگی خانه خرد
- چاپ اول: ۱۳۷۷
- ۴۱۴ صفحه
- قیمت: ۱۲۵۰ تومان

اجتهاد که از منظر شیعه یعنی «عملیات استنباط حکم شرعی» چیزی جز تعیین استدلالی موضع عملی مسلمانان در قبال شریعت اسلام نیست و بدیهی است که آدمی به خاطر پیروی از شریعت، باید که موضع عملی خویش را در قبال آن معین نماید.

اجتهاد که به عبارتی معجزه اسلام و قوه محرکه آن است یک ضرورت تاریخی بوده و همچنان تا ظهور دوازدهمین امام معصوم (ع) (البته برای شیعیان) خواهد بود؛ چراکه هر میزان از زمان حضور معصومان (ع) می‌گذرد حوائج و نیازهای جدید مسلمانان متراکم‌تر می‌گردد و لازم است در هر عصر به مقتضای تحولات زمانه احکام جدیدی پیش روی زندگی فردی و جمعی مسلمانان قرار گیرد.

در عین آنکه معنای اجتهاد از منظر شیعه و سنی حائز تفاوت‌های اساسی است اما یکی از وجوه ممیزه فقه شیعی از فقه سنی باز بودن ابواب اجتهاد و تفقه در بین شیعیان و بسته بودن آن در بین اهل تسنن است. گرچه امروزه متأسفانه در بین شیعه نیز اجتهاد روح واقعی، پویا و زنده خود را از دست داده و امروزه شدیداً نیازمند احیاء و بازنگری می‌باشد اما همچنان باید به عنوان مهمترین

▲ احکام شرعی که جزء فروع است، در یک عملیات استنباط که اجتهاد نام گرفته است متناسب با مقتضیات هر عصر یا حوائج جدید مسلمانان تغییر می‌یابد.

و متفق علیه مذهب را تشخیص دهد و...

در خصوص هر یک از موارد فوق تاکنون دهها کتاب تألیف و منتشر شده و سالهاست که در حوزه‌های علمیه مورد مطالعه و بحث قرار می‌گیرد. اما در این بین حلقات مهم و مفقوده‌ای وجود دارد که متأسفانه تا حال مورد غفلت فقها قرار گرفته است. یکی از مهمترین حلقات مفقوده مزبور «مبانی کلامی اجتهاد» می‌باشد که جدیداً توسط حجة الاسلام مهدی هادوی در قالب کتاب حاضر تبیین گردیده است.

بدون تردید یک مجتهد نمی‌تواند فارغ از باور داشت‌ها و معتقدات خود به کار اجتهاد بپردازد و از آنجا که این باورهای کلامی نقش بسزایی را در اجتهاد برعهده دارد، لازم است مبحثی جدید تحت عنوان مبانی کلامی اجتهادی به بررسی پیش‌فرض‌ها و باورهای اعتقادی و کلامی مجتهدان که در شمار اصول موضوعه که از آن سخن گفته شد قرار می‌گیرد، بپردازد و میزان اتقان و استحکام آنها را مورد بررسی و سنجش قرار دهد که از آن جمله می‌توان به مباحثی پیرامون: مصونیت قرآن از تحریف (اعجاز قرآن) عصمت معصومان، حجیت عقل و قطع، معرفت دینی، قلمرو دین و... اشاره داشت.

حال اینکه آیا مبانی کلامی اجتهاد در کدامین علم می‌باید بحث گردد؟

نظر مؤلف این کتاب این است که نسبت میان کلام و مبانی کلامی اجتهاد، عموم و خصوص من وجه می‌باشد زیرا پاره‌ای از مباحث کلامی در این دایره نمی‌گنجد، چه این که پاره‌ای از مبانی کلامی اجتهاد جزء علم کلام نیست. حال آیا می‌توان مباحثی را که در این دایره (علم کلام) نمی‌گنجد را در کلام جدید گنجانند یا آن دسته از مبانی کلامی اجتهاد را که جزو علم کلام نیست را در اصول فقه گنجانند؟ جای تأمل و مطالعه می‌باشد.

علی‌اثر حال بحث پیرامون این موضوع به عنوان بنیادهای اساسی اجتهاد که فقیهان قبل از اجتهاد آنها را می‌پذیرند، بسیار حائز اهمیت می‌باشد چرا که امروزه اغلب شبهات مطروحه متوجه این مباحث می‌باشد که می‌تواند بالتبع مجموعه احکام شرعی را زیر سؤال قرار دهد.

کتاب حاضر حاصل تدریس مبحثی با همین عنوان توسط نویسنده در رشته تخصصی در حوزه علمیه

◀ کتاب حاضر، حاصل تدریس مبحث

«مبانی کلامی اجتهاد» توسط نویسنده در رشته تخصصی کلام در حوزه علمیه قم می‌باشد که پس از آن مورد بازنگری و نگارش قرار گرفته است. دو دفتر دیگر این کتاب تحت عناوین «مبانی کلامی اجتهاد در فهم سنت» و «مبانی کلامی اجتهاد در بکارگیری عقل» در آینده نزدیک به چاپ خواهد رسید.

قم می‌باشد که پس از آن مورد بازنگری و نگارش قرار گرفته است. این کتاب ارزنده قرار است در قالب سه دفتر منتشر گردد که دفتر اول آن پیش روی ماست. دفتر دوم و سوم این کتاب تحت عنوان: مبانی کلامی اجتهاد در فهم سنت و مبانی کلامی اجتهاد در بکارگیری عقل خواهد بود.

دفتر اول این کتاب به بررسی آن مبانی کلامی اختصاص دارد که مجتهدان در برداشت از قرآن کریم به کار می‌گیرند و دارای دو فصل عمده می‌باشد: فصل اول: مبانی صدور «برداشت از قرآن کریم» / فصل دوم: مبانی دلالتی در برداشت از قرآن کریم. مبانی صدور قرآنی که سندیت آن را تأمین می‌کند از نظر مؤلف عبارت است از: الف) قرآن از سوی خدا نازل شده است. / ب) قرآن از هرگونه تحریف به زیادت و نقصان، مصون است / ج) وحی مصون از خطاست / د) پیامبر اسلام هم در تلقی وحی و هم در ابلاغ آن، از هرگونه اشتباه عمدی یا سهوی معصوم بوده است.

همچنین مبانی دلالتی قرآن که راه را برای بهره‌برداری از مدالیل قرآنی می‌گشاید از نظر مؤلف عبارت است از: الف) خداوند از کلمات قرآن معانی خاص را اراده فرموده است / ب) در بیان مراد الهی - لااقل در احکام فرعی - از شیوه عمومی مفاهمه و از طریق عقلاء عدول نگشته و از بیان رمزی و تمثیلی استفاده نشده است. / ج) زمینه فهم معانی اراده شده از آیات فقهی در زمان نزول آیات برای عقلاء وجود داشته است. / د) احکام الهی جهان شمول است و اختصاص به مورد یا موقعیت خاص ندارد؛ جز آنکه منسوخ گشتن یا

متغیر بودن آن اثبات گردد.

بنابر آنچه درباره مبانی صدور قرآن گفته شد، در فصل اول مؤلف به مباحثی چون: تعلق قرآن به خداوند، مصونیت قرآن از تحریف، مصونیت وحی از خطا و عصمت پیامبر اکرم (ص) پرداخته‌اند.

در فصل دوم که بخش اعظم کتاب به آن اختصاص یافته است مؤلف توجه خود را عمدتاً به پرسشهای تازه‌ای که درباره پذیرفته شده‌های اندیشه دینی مطرح شده است و پیشینیان آنها را با کمترین بحث به صورت پیش‌فرضهای مسلم پذیرفته‌اند، معطوف ساخته است. که از آن جمله می‌توان به مباحثی مانند: هرمنوتیک، زبان دین و معرفت‌شناسی دینی اشاره داشت که در آنها از آنجا که بسیاری از مسلمات مورد پرسش و تردید قرار گرفته، مؤلف درصدد بررسی و نقد آنها برآمده است. این فصل شامل بررسی‌های مؤلف پیرامون چهار مبانی عمده می‌باشد که عبارت است از: ۱ - معنای نهایی قرآن / ۲ - زبان قرآن / ۳ - معرفت به قرآن / ۴ - ثبات و تغییر در احکام الهی.

هر یک از مبناهای فوق خود شامل مباحث ذیل می‌باشند:

مبنای اول: معنای نهایی قرآن: ۱ - ساختار زبان / ۲ - تفسیر، تأویل / ۳ - هرمنوتیک

مبنای دوم: زبان قرآن: ۱ - زبان قرآن / ۲ - زبان دین مبنای سوم: معرفت به قرآن که در این مبحث مؤلف عمدتاً در صدد ارائه تفسیر روشنی از مفهوم دین و تفکیک کاربردهای مختلف آن از یک سو و جایگاه عناصر جهان شمول و موقعیتی در دین و نحوه ترابط و تأثر آنها در هم از سوی دیگر، برآمده است.

در این بخش مؤلف در پی بیان عناصر جهان شمول و موقعیتی در اسلام، نظریه خود را تحت عنوان: «نظریه اندیشه مدون (نظام‌مند) در اسلام» ارائه نموده است. غرض از ارائه این نظریه توسط مؤلف، این است که عموماً عرضه مباحث اسلامی فاقد یک نگرش کلان و نظام‌مند می‌باشد و اجزاء ساختار اندیشه اسلامی بی هیچ آداب و ترتیبی، بدون تدوین نظام‌مند، کنار هم قرار گرفته‌اند تا جایی که این بی‌نظمی هیچ‌گاه ترابط منطقی اجزاء و نحوه تأثیر و تأثر آنها در یکدیگر را مورد دقت نظر قرار نداده است. مطالعه دفتر اول این کتاب را به طلاب، دانشجوین، اساتید و محققان ارجمند حوزه و دانشگاه توصیه نموده و منتظر انتشار دفتر دوم و سوم این مجموعه خواهیم ماند.